**جلسه 40**

**دو‌‌شنبه - 29/۰9/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

‌بحث در فروعی بود که ثمره نزاع بین مشهور که قائل به وقت مختص ظهر و عصر هستند و بین مخالفین مشهور مطرح بود.

**توضیح فرع اول**

ثمره اول این بود که کسی در وقت مختص ظهر اشتباها نماز عصر را بخواند. بناء بر قول به وقت مشترک این نماز صحیح است و بناء بر قول به وقت مختص این نماز به عنوان نماز عصر قطعا صحیح نیست. بحث در این بود که آیا اخبار عدول شامل آن می‌‌شود که بگوییم این نماز عصر را به عنوان نماز ظهر قرار می‌‌دهیم یا نمی‌شود؟

ما استظهارمان از صحیحه زراره: اذا نسیت الظهر حتی صلیت العصر فذکرت و انت فی الصلاة او بعد فراغک منها فإنوها الاولی فانما هی اربع مکان اربع، این بود که این تعلیل معمم است؛ شامل اتیان به نماز عصر در وقت مختص ظهر سهوا هم می‌‌شود. و لو مورد این صحیحه هم اذا نسیت الظهر حتی صلیت العصر است که به قرینه حتی، ما گفتیم ظاهر این تعبیر این است که ما یک فتره‌ای داشتیم، فتره نسیان ظهر، فتره اتیان به نماز عصر بعد از این فتره بود. فرق می‌‌کند بگویند اذا نسیت الظهر فصلیت العصر، ‌ممکن است اول اذان ظهر نماز عصر خوانده باشد سهوا، ولی می‌‌گوید اذا نسیت الظهر حتی صلی العصر. یعنی نماز ظهر را فراموش کردی، ‌نخواندی، نخواندی تا این‌که رسید زمانی که نماز عصر را خواندی و بعد در اثناء نماز عصر یا بعد از فراغ از آن متذکر شدی. ولی تعلیل معمم هست و حتی شامل نماز عصر در وقت مختص ظهر هم می‌‌شود.

**بررسی فقره فانما هی اربع مکان اربع**

برای توضیح این مطلب عرض می‌‌کنم سه احتمال در این فانما هی اربع مکان اربع هست:

**احتمال اول: تعلیل به یک امر واقعی یعنی ماتی‌به مانند ماموربه چهار رکعت است پس إنوها الاولی**

احتمال اول این است که ما استظهار کردیم که گفتیم فإنوها الاولی، امام می‌‌فرماید که نیت کن که این نماز، نماز ظهر است، چرا؟ چون که تکوینا آنچه بجا آوردی با آنچه که بناء بود بجا بیاوری، در عدد رکعات مشترک است. انما هی اربع أُتی به مکان الاربع الماموربه. چون آنچه شما آوردی با آنچه که امر داشتی بیاوری، هر دو چهار رکعتی هستند، این علت شده که ما امر کنیم بگوییم إنوها الاولی.

طبق این احتمال التعلیل معممٌ. العلة تعمم. کسی که در وقت اختصاصی نماز ظهر نماز عصر را بخواند، این نماز چهار رکعتی است که به جای آن نماز چهار رکعتی ماموربه آورده شده. یعنی در محل او آورده شده، در مکان او آورده شده. و لذا شارع می‌‌گوید إنوها الاولی.

[سؤال: ... جواب:] نخیر. یعنی بناء بود نماز ظهر بخوانی، ‌حالا یا در وقت مختص یا در وقت مشترک، ‌ولی به جای این‌که نماز ظهر بخوانی رفتی اشتباها نماز عصر خواندی ولی چون آنچه که اشتباها خواندی با آنچه که بناء بود بخوانی هر دو چهار رکعتی هستند و لذا حکم این است که إنوها الاولی.

احتمال دوم...

[سؤال: ... جواب:] و لذا در نماز عشاء خود این صحیحه زراره مستقلا فرمود: و ان نسیت المغرب فصلیت الرکعتین من العشاء أو قمت الی الثالثة فإنوها المغرب. البته فتوی فقهاء این است که تا رکوع رکعت چهارم نماز عشاء نرفتی محل عدول به نماز مغرب باقی است. ولی روایت می‌‌گوید فذکرتَ بعد رکعتین أو بعد ما قمت الی الثالثة. و لذا ما آنجا شبهه داریم. می‌‌گوییم احتیاط این است که اگر بعد از رکوع رکعت سوم از نماز عشاء متذکر بشود کسی نماز مغرب را نخوانده، این نماز را قطع کند، ‌نماز مغرب مستقلی بخواند. چون مفهوم این صحیحه زراره اقتضاء می‌‌کند که دیگه بعد از دخول در رکوع رکعت ثالثه محل عدول از بین می‌‌رود. می‌‌گوید بعد الرکعتین أو بعد ما قمت الی الثالثة. ولی فتوی فقهاء این است که اذا تذکرت انک نسیت المغرب قبل الدخول فی رکوع الرکعة الرابعة من العشاء، عدول می‌‌کنی به نماز مغرب. فتوی فقهاء این است. این مستقل [است]. انما هی اربع مکان اربع در نماز ظهر و عصر تعبیر شده.

[سؤال: ... جواب:] عبارت روایت را بخوانم برای‌تان.. تعبیر در روایت این است: و ان کنت صلیت العشاء الآخرة و نسیت المغرب فقم فصل المغرب و ان کنت ذکرتها و قد صلیت من العشاء الآخرة رکعتین أو قمت فی الثالثة فإنوها المغرب. خب این اگر بناء بود قیام فی الرابعة هم مثل قیام فی الثالثة باشد و هنوز محل عدول باقی باشد، ذکر "قمت فی الثالثة" عرفا لغو می‌‌شود. ... قمت فی الثالثة یعنی قیام قبل الرکوع. خب بگذریم. این، ‌مطلب استطرادی بود.

**احتمال دوم: تعلیل به یک امر تعبدی یعنی ماتی‌به چهار رکعت است پس به جای ماموربه واقع می‌شود**

احتمال دوم در انما هی اربع مکان اربع این است که بگوییم چون آنچه انجام دادی چهار رکعت است، انما هی اربع، فیکون مکان اربع. چون این نمازی که آوردی چهار رکعت است حکمش این است که شرعا به جای چهار رکعت ظهر قبول می‌‌شود. یعنی مکان اربع را حکم شرعی بگیریم. انما هی اربع، مکان اربع شرعا. بر خلاف احتمال اول که می‌‌گفت انما هی اربع أتی به فی مکان الاربع تکوینا. یعنی به جای این‌که نماز چهار رکعتی واجب را بخوانی، خودت از روی اشتباه در محل او و در مکان او رفتی نماز عصر خواندی. اما این احتمال دوم می‌‌گوید انما هی اربع، چون این نمازی که خواندی چهار رکعت است، نماز عصر است، مکان اربع. یعنی شرعا به جای چهار رکعت نماز ظهر قبول می‌‌شود. شرعا این‌طور است. پس تو هم همین‌طور نیت کن؛‌ فإنوها الاولی.

احتمال سوم این است...

[سؤال: ... جواب:] انما هی اربع، یعنی لاجل انما أتیت به اربع رکعات فهی شرعا تکون فی مکان الاربع.

احتمال سوم...

[سؤال: ... جواب:] فإنوها الاولی طبق این احتمال دوم یعنی شما احتساب کن این نماز چهار رکعتی را که به عنوان عصر خواندی، ظهر. چون او شرعا به عنوان ظهر قرار داده شده است. ... حالا اجازه بفرمایید.

احتمال سوم...

[سؤال: ... جواب:] چون تکوینا شما به جای نماز ظهر چهار رکعتی، نماز عصر چهار رکعتی خواندی، چون این‌طور است، طبق احتمال اول، شرع مقدس حکم کرده است: فإنوها الاولی. فقط إنوها الاولی می‌‌شود حکم شرعی. فانما هی اربع مکان اربع اخبار از یک واقع تکوینی است. احتمال دوم این است که نه، فانما هی اربع یعنی لاجل کون ما أتیت به اربع رکعات فهی جعل فی مکان اربع رکعات الظهر شرعا. انما هی اربع مکان اربع شرعا. یعنی چون چهار رکعت خواندی، شرعا به جای چهار رکعت ظهر قبول می‌‌شود.

**احتمال سوم: تعلیلی بیان نشده فقط فرموده: ماتی‌به چهار رکعتی به جای ماموربه چهار رکعتی واقع می‌شود**

احتمال سوم این است که بگوییم انما هی اربع مکان اربع، یعنی الاربع رکعات العصر أُعتبر شرعا رکعات الظهر.

فرق این احتمال سوم با احتمال دوم این است: در احتمال دوم انما هی اربع به منزله علت قرار داده شده برای حکم شرعی به این‌که مکان اربع. یعنی هی مکان اربع، طبق احتمال دوم، لکونها اربع. طبق احتمال دوم شارع حکم می‌‌کند که این نمازی که خواندی، ‌شرعا به جای نماز ظهر پذیرفته شد. چرا؟ چون چهار رکعت است. اما احتمال سوم، انما هی اربع این علت نیست برای مکان اربع. بلکه کلش حکم شرعی است. فإنوها الاولی، فانما هی اربع مکان اربع. شارع حکم کرده است که این نماز عصر تو، حکم شارع این است که چهار رکعت است به جای چهار رکعت ظهر است. طبق احتمال اول که ما می‌‌دهیم انما هی اربع مکان اربع اخبار از یک امر واقعی است. می‌‌گوید آقا! چون شما به جای امتثال امر به نماز چهار رکعتی آمدی نماز چهار رکعتی دیگری خواندی، این منشأ شده که شارع حکم بکند با توجه به این‌که این‌ها در عدد رکعات مشترکند منشأ شده که شارع حکم بکند که عدول کن از لاحقه به سابقه؛ ‌از نماز عصر عدول کن به نماز ظهر.

[سؤال: ... جواب:] حالا این عدول شرط است یا خودبخود، فإنوها الاولی یعنی یُحتسب ظهرا این مهم نیست. ... اجازه بدهیم من مطالبم را بگویم. مطالب روشن بشود بعد اشکال کنید.

اما طبق احتمال دوم و سوم خود انما هی اربع مکان اربع حکم شرعی است. یعنی مکان اربع شرعا. یعنی أُحتسب ظهرا. مکان اربع یعنی أُحتسب ظهرا التی هی اربع رکعات. فرق احتمال دوم و سوم این است که در انما هی اربع مکان اربع طبق احتمال دوم علت احتساب را هم گفتند. چرا أُحتسب این نماز عصر مکان الظهر؟ لکونها اربع. اما طبق احتمال سوم نه، علت را نگفتند. گفته انما أُعتبر شرعا هذه الاربع رکعات بدل الاربع رکعات الظهر. اما علتش این نیست که لکونها اربع رکعات.

**ثمره این سه احتمال**

ثمره این سه احتمال را بگوییم.

طبق احتمال ما، خب العلة تعمم اما برای چه حکمی؟ برای فقط عدول از لاحقه به سابقه. إنوها الاولی. عدول از نماز عصر به نماز ظهر. طبق احتمال دوم که انما هی اربع مکان اربع یعنی إعتبر الشارع هذه الصلاة صلات ظهر لکونها اربع رکعات. خب لکونها اربع رکعات می‌‌شود علت. آن وقت این معمم است. آن وقت اگر نماز ظهرت را هم دوبار بخوانی اشتباها، ‌با این‌که وظیفه‌ات بوده نماز عصر بخوانی، ‌اما فکر می‌‌کردی نماز ظهر نخواندی، ‌یک بار دیگه نماز ظهر خواندی، ‌این علت می‌آید دیگه. چون شارع چرا گفت در مورد صحیحه زراره که این نماز عصر مکان ظهر است؟ لکونها اربعا. علتش این بود که این چهار رکعت بود. خب این علت در عدول از سابقه به لاحقه هم می‌آید. اما طبق احتمال سوم اصلا این علت نیست. شارع چون حکم کرده است این نمازی که تو خواندی و چهار رکعت است به عنوان نماز ظهر حساب بشود، شما هم حساب بکن او را به عنوان نماز ظهر. اما شارع کجا حکم کرده به این‌که نماز عصر که خواندی به جای نماز ظهر حساب بشود؟ کجا حکم نکرده؟ نمی‌دانیم. آیا در وقت مختص نماز ظهر نماز عصر را بخوانیم، شارع حکم کرده که هی اربع مکان اربع شرعا؟ هذا اول الکلام. طبق این احتمال سوم اصلا تعلیل نیست. تطبیق یک کبری تعبدیه است. می‌‌گوید فإنوها الاولی. احتساب کن این نماز عصر نماز ظهر است. چرا؟ چون این نماز تو نمازی است که شارع اعتبار کرده که هی اربع مکان اربع شرعا. اما آیا نماز عصر در وقت مختص هم شارع حکم کرده که هی اربع مکان اربع؟ هذا اول الکلام.

طبق این احتمال سوم فرمایش آقای حکیم درست می‌‌شود که این مورد روایت، نماز عصری است که در وقت مختص نخواندیم؛ در وقت مشترک خواندیم. ما چه می‌‌دانیم شارع راجع به نماز عصر در وقت مختص حکم کرده است که اربع مکان اربع شرعا. شاید در مورد نماز عصر در وقت مختص ظهر نگفته است اربع مکان اربع شرعا. فقط در مورد نماز عصر در وقت مشترک گفته باشد اربع مکان اربع شرعا. تمسک به انما هی اربع مکان اربع در این مورد می‌‌شود تمسک به خطاب در شبهه مصداقیه آن.

**احتمال اول صحیح است. چون تعلیل به یک امر تعبدی خلاف ظاهر است**

ما به نظرمان انما هی اربع مکان اربع همان احتمال اول است. یعنی تعلیل به یک امر تعبدی خلاف ظاهر است. ظاهر این است که تعلیل می‌‌کند به یک امر واقعی. یعنی می‌‌گوید چون این نماز عصر تو به جای نماز ظهر واجب خوانده شده است؛ نه این‌که ما آن را به جای او قبول کردیم، نخیر. شما به جای این‌که نماز ظهر واجب را بخوانی اشتباها رفتی به جای او نماز عصر خواندی. چون این‌طوری است ما می‌‌بینیم عدد رکعات هر دو یکی است، منشأ شده حکم بکنیم فإنوها الاولی، عدول بکن از نماز عصر به نماز ظهر. خب این علت به یک امر تکوینی است. خب این علت در نماز عصری هم که در وقت مختص ظهر بخوانیم می‌آید. که چون شما نماز عصر چهار رکعتی را اشتباها به جای نماز ظهر چهار رکعتی واجب خواندی منشأ می‌‌شود فإنوها الاولی. و احتمال اول اظهر الاحتمالات است.

احتمال سوم که خلاف ظاهر است این منشأ می‌‌شود که فقط اقتصار کنیم بر مورد خود روایت. چون هیچ تعلیل نیست. می‌‌گوید فإنوها الاولی یعنی بناء بگذار که این نمازت نماز ظهر است. چرا؟ چون شرعا شارع این نماز عصر چهار رکعتی تو را به جای نماز ظهر چهار رکعتی پذیرفته است. اما آیا در وقت مختص ظهر هم اگر نماز عصر می‌‌خواندی شارع می‌‌گفت انما هی اربع مکان اربع شرعا؟‌ معلوم نیست. و لکن احتمال سوم خلاف ظاهر است.

[سؤال: ... جواب:] خب ما هم می‌‌گوییم خلاف ظاهر است. شما چرا به ما اشکال می‌‌کنید؟ ما هم می‌‌گوییم احتمال سوم خلاف ظاهر است، احتمال دوم هم خلاف ظاهر است. احتمال اول اظهر الاحتمالات است. و لذا ما به صحیحه زراره تمسک می‌‌کنیم.

[سؤال: ... جواب:] این روایت که اصلا راجع به وقت مختص نماز ظهر است. ... مفاد احتمال دوم این است که هی مکان اربع. شرعا این نمازی که خواندی به جای چهار رکعتی ظهر پذیرفته شده است. چرا؟ لکونها اربع. ... تعلیل این است که چرا شرعا این نماز را به جای چهار رکعتی ظهر پذیرفتیم، چون این نماز هم چهار رکعتی است. ... مکان اربع شرعا است طبق احتمال دوم و سوم. یعنی هی مکان اربع شرعا یعنی هی قُبل عند الشارع بعنوان الاربع رکعات الظهر. طبق احتمال دوم این مشتمل بر تعلیل هم هست. چرا قبول کردیم این نمازی که خواندی به عنوان نماز چهار رکعتی ظهر؟ چون این نماز هم چهار رکعتی است. طبق احتمال دوم هی اربع مکان اربع، چرا؟ لکونها اربع رکعات. حالا طبق این احتمال باز تعلیل است و این نتیجه‌اش باز تعمیم است. حالا فقط طبق احتمال سوم هیچ تعلیل نیست و نمی‌شود تعمیم داد. چون طبق احتمال سوم هی اربع مکان اربع یک کبری شرعیه است. می‌‌گوید نمازی را که خواندی به عنوان ظهر تلقی کن چون شرعا این نمازی که خواندی و چهار رکعتی است شرعا به جای نماز ظهر چهار رکعتی پذیرفته شده است. و لذا چون شرعا پذیرفته است شما هم به عنوان نماز ظهر تلقی کن. اما آیا نماز عصری که در وقت مختص ظهر می‌‌خوانی آن هم شرعا به جای نماز ظهر پذیرفته شده است یا نه، این می‌‌شود شبهه مصداقیه و دیگه نمی‌شود به او تمسک کرد.

از این بحث بگذریم. بقیه مطالب یک مقدار باشد بعد از بحث یک مقدار هم اشکال‌ها را منظم کنید مطالب واضح بشود بعد اشکال کنیم.

**مرور فرع دوم**

فرع دوم این است: کسی که در سعه وقت نماز ظهر می‌‌خواند. بعد معلوم می‌‌شود که در وقت مختص عصر نماز خوانده بوده. خب طبق نظر وقت مختص عصر این نماز باطل است. چون شما نماز ظهر را در وقت مختص عصر خواندی.

**فرع سوم (بخش دوم): خوف دارد بیشتر از پنج رکعت وقت ندارد**

فرع سوم این است: کسی که خوف دارد که ضیق وقت باشد، پنج رکعت بیشتر به آخر وقت نمانده باشد.

اولا فقهاء می‌‌گویند که در خوف ضیق وقت اگر مطمئنی که به اندازه پنج رکعت وقت است، خب نماز ظهرت را بخوان، یک رکعت از نماز عصر هم در وقت بخوان. حالا چرا فقهاء این را گفتند؟ ما یک اشکالی را طرح کردیم، ‌جواب نمی‌خواهیم بدهیم. گفتیم چه جور شده فقهاء در اینجا این‌طور گفتند اما در بحث وضوء و تیمم گفتند نه، اذا خاف الوقت فلیتیمم یعنی خوف فوت وقت اختیاری. اگر خوف فوت وقت اختیاری داری باید تیمم کنی و لو بدانی وقت اضطراری نماز را درک می‌‌کنی با وضوء اما این کافی نیست. باید بدانی وقت اختیاری نماز را با وضوء درک می‌‌کنی. و الا باید تیمم کنی. اما در مانحن‌فیه که روایت می‌‌گوید ان خاف ان تفوته العصر بدأ بالعصر آقایان فقهاء گفتند خوف فوت نماز عصر و لو در وقت اضطراری باشد. اگر مطمئنی در وقت اضطراری نماز عصر که قاعده من ادرک می‌‌توانی نماز عصر را درک کنی اینجا وظیفه‌ات این است که نماز ظهر بخوانی اول.

و لذا شبهه این است: اگر ظاهر وقت، وقت اختیاری است که در فاذا خاف الوقت فلیتیمم گفتید و لذا گفتید خوف فوت نماز اگر با وضوء بخوانیم در وقت اختیاری کافی است که ما شرعا وظیفه پیدا کنیم برویم تیمم کنیم و لو بدانیم نماز با وضوء را در وقت اضطراری که یک رکعت آن داخل وقت است درک می‌‌کنیم. اما این جایز نیست. باید تیمم کنیم. اگر ظاهر خوف فوت وقت، ‌وقت اختیاری است، فرمایش شما در وضوء و تیمم درست است. ولی چرا در این مورد نماز ظهر و عصر این را نگفتید؟ فاذا خاف ان تفوته العصر فلیبدأ بالعصر هم می‌‌گفتند فاذا خاف ان تفوته العصر فی الوقت الاختیاری. و اگر می‌‌گویید صدق نمی‌کند خوف فوت مگر این‌که خوف فوت از وقت اضطراری هم داشته باشیم و لذا می‌‌گویید که پنج رکعت وقت اگر بدانیم باقی است باید نماز ظهر را اول بخوانیم، ‌این فلیبدأ بالعصر در جایی است که خوف فوت وقت اضطراری عصر داریم که حتی یک رکعت هم داخل وقت نتوانیم درک کنیم از نماز عصر، پس چرا در وضوء این را نگفتید‌؟ چرا در اذا خاف الوقت فلیتیمم نگفتید مشروعیت تیمم در جایی است که خوف فوت وقت اضطراری نماز با وضوء را داشته باشیم.

این طرح اشکال است. فعلا من نمی‌خواهم جواب بدهم. ان‌شاءالله سر فرصت مناسب همراه با فکر رفقاء بعد از بحث ان‌شاءالله جوابش را دنبال می‌‌کنیم.

حالا اصلا فرض مسأله این‌جور بکنیم که به اندازه چهار رکعت بیشتر می‌‌ترسد که وقت نباشد برای نماز. خب بناء بر قول به وقت مختص که باید نماز عصر بخواند. نماز ظهر دیگه وقتش گذشته. اما بناء بر قول به وقت مشترک گفته می‌‌شود که چرا نماز عصر بخوانی؟ اگر ترتیب بین نماز ظهر و عصر لازم است حتی در این حال، در ضیق وقت، اصلا نماز عصر بخواند باطل است. چرا؟ برای این‌که خب نماز عصر بخواند نماز عصر فاقد ترتیب بین ظهر و عصر می‌‌شود. باید نماز ظهر بخواند. شرط نماز عصر این است که بعد از نماز ظهر باشد. و اگر دلیل ترتیب شامل این مورد نمی‌شود، مخیر است بین نماز ظهر و عصر. چون متزاحمین هستند، اهمیت هیچکدام ثابت نیست، می‌‌شود مخیر.

این می‌‌شود ثمره نزاع بین وقت مختص و وقت مشترک.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است: خوف فوت مسلم منجز است. این را ما از روایات استفاده کردیم. کلام در این است که فرض کنید اصلا علم به ضیق وقت دارد. طبق قول به وقت مختص نماز عصر را می‌‌خواند. چون وقت نماز ظهر گذشته است. طبق وقت مشترک گفته می‌‌شود که یا باید بگوییم نماز عصرش باطل است اگر بخواند باید نماز ظهر بخواند حتما چون نماز عصر اگر بخواند ترتیب حفظ نمی‌شود بین ظهر و عصر و اگر دلیل بر شرطیت ترتیب اطلاق نداشت نسبت به این مورد مخیر است بین نماز عصر و ظهر. ... خب عصر هم محتمل الاهمیة است. بالاخره احتمال می‌‌دهیم که عصر در ضیق وقت اهم باشد. ... اگر اطلاق ندارد دلیل شرطیت ترتیب پس طبق قول به وقت مشترک مخیریم بین نماز ظهر و نماز عصر. چون دو واجب است، تزاحم کردند، نمی‌توانیم هر دو را در وقت درک کنیم.

این یک ثمره.

**جواب اول (محقق خوئی): سقوط امر به نماز ظهر بخاطر شرطیت ترتیب است نه وقت مختص**

مرحوم آقای خوئی فرموده نخیر. این ثمره را ما قبول نداریم. چرا؟ فرموده ما قائل به وقت مختص نیستیم. صریحا اعلام می‌‌کنیم ما ضد وقت مختصیم. طرفدار وقت مشترک هستیم از اذان ظهر تا غروب آفتاب. و لکن خود دلیل شرطیت ترتیب و این‌که باید قبلیت ظهر حفظ بشود، الا ان هذه قبل هذه، ظهر قبل از عصر است، خود این قرینه است. وقتی گفتند نماز ظهر باید قبل از نماز عصر باشد، ‌رسیدیم به آخر وقت، امر به هر دو باشد، هم به ظهر هم به عصر، ‌تکلیف به مالایطاق است. امر به نماز ظهر باشد امر به نماز عصر ساقط بشود، خب این خلاف ظاهر این است که ظهر قبل از عصر است. معنای قبل از عصر است یعنی آقا! وقتی توانستی ظهر را بخوان، نتوانستی آن قبلی را ول کن برو به بعدی بچسب.

**اشکال اول: الا ان هذه قبل هذه به معنای بعد هذه است**

ما نفهمیدیم. خود آقای خوئی الا ان هذه قبل هذه معنا کرده گفته یعنی هذه بعد هذه. نماز عصر باید بعد از ظهر باشد. نماز ظهر لازم نیست قبل از عصر باشد. شما نماز ظهر بخوانی نماز عصر نخوانی، نماز ظهر صحیح است.

**اشکال دوم: روایت ظهور ندارد در این‌که در تنگی وقت، نماز قبلی بخاطر نماز بعدی رها شود**

و این‌که روایت می‌‌گوید نماز ظهر باید قبل از نماز عصر باشد که معنایش این است که یعنی باید نماز عصر بعد باشد، کجا ظهور عرفیش این است که اگر وقت، تنگ بود آن قبلی را ول کن بروی سراغ بعدی. کجا معنایش این است؟ معنایش این است که شرط صحت نماز عصر این است که بعد از نماز ظهر بخوانی. و حالا هم که این شرط در اینجا تحصیل نشد. خب اگر نماز عصر بخوانم نماز عصرم می‌‌شود فاقد شرط.

بله، ‌این‌که می‌‌گویید خلاف تسالم است که ما بگوییم باید نماز ظهر بخوانی در ضیق وقت، یا مخیری بین نماز ظهر و عصر، بحث دیگری است. دلیل شما تمام نیست.

**جواب دوم: تقدیم نماز عصر بخاطر نص خاص است نه وقت مختص**

به نظر ما این ثمره، ثمره خوبی است لولا النص الخاص. نص خاص داریم که در خوف ضیق وقت یبدأ بالعصر، یبدأ بالعشاء الآخرة در نماز مغرب و عشاء.

راجع به نماز عصر که یبدأ بالعصر روایت حلبی است که در سندش محمد بن سنان است. ما هم دیروز اشتباه کردیم گفتیم صحیحه حلبی. غفلت کردیم. آن روایت اولی حلبی را که گفتیم او صحیحه نیست؛‌ روایت محمد بن سنان است که ان‌شاءالله فردا راجع به محمد بن سنان بحث رجالی می‌‌کنیم. فلیبدأ بالعصر در روایت محمد بن سنان است عن ابن مسکان عن الحلبی. اما روایت راجع به این‌که اگر فرصت نبود نماز مغرب را بخوانید بدأ بالعشاء الآخرة روایت عبدالله بن سنان است. خب بین مغرب و عشاء و ظهر و عصر هم که عرفا فرقی نیست. می‌‌گوید اگر وقت تنگ بود برای نماز مغرب و عشاء بدأ بالعشاء الآخرة ثم قضی المغرب. خب ظهر و عصر هم همین است.

و لذا این ثمره با توجه به روایت تمام نیست.

اما ثمرات دیگر ان‌شاءالله فردا دنبال می‌‌کنیم.